

انتخابات مجلس

حضور در چند حوزه رقابتی هنوز نباید سخن آخر باشد

۱- هنوز سیاست و تصمیم طیف اصلاح طلبان برای حضور در حوزه های انتخاباتی که در آنها بدلیل قبول صلاحیت برخی چهره های غیر مشهور اصلاح طلب امکان رقابت و فعالیت هست، سیاست کاملی نیست.

۲- مجلس هشتم را برای جنگ و تائید نظامی گری از یکسو و ادامه سیاست خطرناک پنهان در پشت "انرژی صلح آمیز هسته ای" می خواهند. دو انگیزه ای که از دل آن یا جنگ و ویرانی و تکه پاره شدن ایران بیرون خواهد آمد و بلعیده شدن پول نفت در یک مسابقه تسلیحاتی، یا سازش های بزرگ نظامی با آمریکا و تبدیل شدن به چماق آمریکا از ساحل خلیج فارس تا ساحل دریای خزر. دو حاصلی که نه تنها برای مردم ایران نان و آب نخواهد شد، بلکه مرگ و ویرانی و جدائی، یا سر بر آوردن یک رضاخان میرپنج و هم سرنوشت شدن دومین شعار انقلاب ۵۷، یعنی "استقلال" با شعار نخست آن انقلاب، یعنی "آزادی" را در پی خواهد داشت.

۳- واقعیت اینست که چانه زنی ها در بالا، برحسب فشاری که از پائین وجود داشت، بیش از آنچه که شاهدیم و تازه بخش مهمی از آن نیز متأثر از شرایط خارجی است، نتوانست و نمی توانست نتیجه بدهد. آگاهی و بینش سیاسی مردم زیر رگبار تبلیغاتی حکومت، سرکوب و فضای بسته سیاسی و فشار کمر شکن زندگی، امروز همین است که شاهدیم و تا این موازنه تغییر نکند، تحول مهمی در این آرایش سیاسی روی نخواهد داد. همه کوشش ما باید متوجه تغییر این موازنه باشد. اگر حفظ یک سنگر در مجلس هشتم بتواند در خدمت این کوشش باشد، به حکم چه استدلالی می توان شاهد از کف رفتن آن بود؟

۴- شرح مصیبت - از جمله بیابنه ها و اظهار نظرهای طیف ملی- مذهبی ایران- و یا چپ نمائی ها و اتخاذ سیاست "طرد" برخی احزاب و سازمان های سیاسی، حداکثر می تواند در خدمت منزه طلبی و یا موج سواری قرار گیرد.

۵- شکست در تلاش برای تسخیر مجلس هشتم را از هفته ها پیش محمدخانی و هاشمی رفسنجانی پذیرفته و در انتظار نتیجه عملی این سیاست، خود را کنار کشیدند، سفرهای استانی خود را قطع کردند و بجای آنها، رهبر بعنوان هدایت کننده این سیاست، خود سفرهای استانی و انتخاباتی را آغاز کرد. ما با آگاهی از آنچه در جریان است، در سرمقاله های گذشته نوشتیم که علیرغم همه محدودیت ها و فشارها حکومتی، حتی فرصت داشتن یک "بانگ" در مجلس آینده را نباید از دست داد.

۶- می توان، حتی در حوزه هایی که هیچ نماینده اصلاح طلبی را در میدان باقی نگذاشته اند، با اعلام حمایت از این و یا آن چهره صالح تر از دیگری و یا دیگران وارد میدان شد. این سیاست، بویژه در شهرهای بزرگی مانند تهران و یا شهرهای حساسی مانند "قم" یا "مشهد" و یا حتی "اصفهان" و "تبریز" ... به جبهه مخالفان سیاست نظامی- اتمی این امکان را می دهد که قدرت رای خود را به نمایش بگذارند.

۷- هنوز تا انتخابات مجلس هشتم که ۲۴ اسفندماه برگزار می شود، زمان در اختیار است، بویژه در جامعه ای که هر ساعت و روز آن با حادثه و رویداد همراه است. در چنین جامعه ای اتخاذ روش ها و سیاست های دم به دم متناسب تر از گذشته می تواند بر رویدادها تاثیر گذار باشد. دست و پای خود را با یک بیابنه، یک اعلامیه، یک واکنش تند ... نیندیم و حتی اندک ترین فرصت ها برای حضور و تاثیر گذاری را از دست ندهیم.

حتی اگر هیچ اعلام آشکاری مبنی بر انگیزه واقعی از تشکیل مجلس مطیع هشتم در اختیار نبود، سفر و سخنرانی رهبر جمهوری اسلامی در آذربایجان و جشن و هیجان کاذبی که بصورت تدارک دیده شده و به بهانه گزارش اخیر اتمی آژانس انرژی اتمی برپا کردند، خود آشکارترین دلیل بستن فضای انتخاباتی و ترتیب دادن مجلس هشتم است. رهبر در سفر به آذربایجان سخن از رفتن "به کام شیر" و بیرون کشیدن "مهتری" یا "رویاری با مرگ" سخن گفت، که اشاره به پافشاری بر ادامه سیاست نظامی- اتمی، حتی در صورت حمله

نظامی به ایران بود. بهانه جشن اتمی نیز آخرین گزارش آژانس انرژی اتمی است، که نیمه پر لیوان را در بوق کردند و نیمه خالی آن را فراموش، تا از مردم هیجان زده پیروزی اتمی، برای کاندیداهای دستچین شده و از قبل انتخاب شده، رای بگیرند! مردمی کمتر مطلع از انگیزه های پنهان در پشت این چشمبندی های تبلیغاتی، که گرفتار نان، آب، کرایه خانه و بیکاری اند و جشن ملی روزی است که این گرفتاری ها نباشد.

با همین دو اعتراف انکار ناپذیر نیز، می توان یقین حاصل کرد که مجلس هشتم را برای جنگ و تائید نظامی گری از یکسو و ادامه سیاست خطرناک پنهان در پشت "انرژی صلح آمیز هسته ای" می خواهند. دو انگیزه ای که از دل آن یا جنگ و ویرانی و تکه پاره شدن ایران بیرون خواهد آمد و بلعیده شدن پول نفت در یک مسابقه تسلیحاتی، یا سازش های بزرگ نظامی با امریکا و تبدیل شدن به چماق امریکا از ساحل خلیج فارس تا ساحل دریای خزر. دو حاصلی که نه تنها برای مردم ایران نان و آب نخواهد شد، بلکه مرگ و ویرانی و جدائی، یا سر بر آوردن یک رضاخان میرپنج و هم سرنوشت شدن دومین شعار انقلاب ۵۷، یعنی "استقلال" با شعار نخست آن انقلاب، یعنی "آزادی" را در پی خواهد داشت.

از ابتدای تشکیل دولت احمدی نژاد تاکنون، سخن اصلی ما درک عمیق تر همین نکته بوده است. یعنی توجه به انگیزه اصلی و پنهان در پشت تصمیمات مهم حکومتی و آشنائی با مهم ترین دلیل اختلافات در راس حاکمیت. یعنی اختلاف بر سر سیاست نظامی- اتمی! آینده جمهوری اسلامی و تحولات در ایران نیز از این گذرگاه عبور خواهد کرد. گذرگاهی که چه ما خواهیم و چه نخواهیم نیروی نظامی و سپاهی در آن نقش آفرین خواهند بود، چرا که این نیرو در دل سیاست نظامی- اتمی خفته است. بخت بزرگ آنست که این نیرو بجای ماجراجویی در خدمت تحولات مثبت و به سود مردم ایران قرار گیرد و حساب خود را از ماجراجویان جدا کند.

همچنان که شاهدیم در طیف طرفداران و حامیان سیاست نظامی- اتمی که قرار است به مجلس برده شوند، حضور سپاهی ها چشمگیرتر از مجلس هفتم است و بی شک یا رهبری فراکسیون اکثریت مجلس هشتم را این گروه در اختیار خواهد گرفت و یا قوی ترین فراکسیون مستقل را در مجلس هشتم تشکیل داده و با اتکاء به نیروی بیرون از مجلس خود(سپاه) در مجلس سخن خواهد گفت. اگر قرار شود مجلس هشتم نقش نظارتی خود بر قوه مجریه را ایفاء کند، این نظارت توسط این فراکسیون و برای حمایت از این سیاست صورت خواهد گرفت!

با این نگاه به صحنه سیاسی ایران است، که ما پیش از پرداختن به هر رویداد و تصمیم حکومتی، محور تحلیل های خود را از این رویدادها و تصمیمات، آن سیاستی قرار داده و می دهیم که در بالا به آن اشاره کردیم. یعنی سیاست نظامی- اتمی حاکم. در آینده نیز تا زمان تغییر یا شکست این سیاست، که به احتمال بسیار با تکان های بزرگ در جمهوری اسلامی همراه خواهد بود، همینگونه به رویدادها نگاه خواهیم کرد. انتخابات مجلس هشتم از جمله این رویدادها- و البته از مهم ترین رویدادها- است.

فضای انتخابات را با انگیزه ادامه همین سیاست بستند و بیش از دو سوم صندلی های مجلس از ۲۹۰ صندلی را پیش از رای گیری تصرف کردند و تلاش خواهند کرد در جریان رای گیری نیز تا آنجا که در توان و امکان دارند، آن یک سوم باقی مانده را نیز تسخیر کنند.

شکست در تلاش برای تسخیر مجلس هشتم را از هفته ها پیش محمدخاتمی و هاشمی رفسنجانی پذیرفته و در انتظار نتیجه عملی این سیاست، خود را کنار کشیدند، سفرهای استانی خود را قطع کردند و بجای آنها، رهبر بعنوان هدایت کننده این سیاست، خود سفرهای استانی و انتخاباتی را آغاز کرد. ما با آگاهی از آنچه در جریان است، در سرمقاله های گذشته نوشتیم که علیرغم همه محدودیت ها و فشارها حکومتی، حتی فرصت داشتن یک "بانگ" در مجلس آینده را نباید از دست داد. چنین بانگی، پس از آشکار شدن شکست سیاست

جنگی- اتمی حاکم می تواند نقش یک فراکسیون پر قدرت را در مجلس ایفاء کند، چرا که پشتوانه آن مردمی خواهند بود که در بیرون از مجلس متحمل نتایج فاجعه بار این شکست شده و علیه آن وارد میدان شده اند. بویژه که بخشی از نیروئی که بعنوان حامیان سیاست نظامی- اتمی به مجلس هشتم می برند، برخلاف هفت رنگ هائی نظیر رهبران و وابستگان موثله اسلامی و باندهای مافیائی تجارت و غارت و وطن فروش نیستند، بلکه طرفدار این سیاست اند. با شکست این سیاست، بخش هائی از میان همین طیف نیز می توانند به جبهه مخالفان این سیاست در همان مجلس هشتم بپیوندند. حتی در مجلس شاهنشاهی نیز ما شاهد چنین رویداد حیرت آوری در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بودیم.

بنابر همین ارزیابی، نه تنها با خالی کردن میدان موافق نبوده و نیستیم، بلکه اعتقاد داریم با بهره گیری از هر امکان و توانی باید در میدان ماند، تا در لحظه تغییر شرایط و آرایش نیروها در حاکمیت و فراهم آمدن آگاهی وسیع مردم و به میدان آمدن آنها بتوان نقش تاثیر گذار خود را ایفاء کرد.

واقعیت اینست که چانه زنی ها در بالا، بر حسب فشاری که از پائین وجود داشت، بیش از آنچه که شاهدیم و تازه بخش مهمی از آن نیز متأثر از شرایط خارجی است نتوانست و نمی توانست نتیجه بدهد. آگاهی و بینش سیاسی مردم زیر رگبار تبلیغاتی حکومت، سرکوب و فضای بسته سیاسی و فشار کمر شکن زندگی، امروز همین است که شاهدیم و تا این موازنه تغییر نکند، تحول مهمی در این آرایش سیاسی روی نخواهد داد. همه کوشش ما باید متوجه تغییر این موازنه باشد. اگر حفظ یک سنگر در مجلس هشتم بتواند در خدمت این کوشش باشد، به حکم چه استدلالی می توان شاهد از کف رفتن آن بود؟

شرح مصیبت - از جمله بیاینه ها و اظهار نظرهای طیف ملی- مذهبی ایران- و یا چپ نمائی ها و اتخاذ سیاست "طرد"، حداکثر می تواند در خدمت منزه طلبی و یا موج سواری قرار گیرد.

با این نگاه به صحنه ای که در برابر ما، برای انتخابات مجلس هشتم قرار داد، هنوز سیاست و تصمیم طیف اصلاح طلبان برای حضور در حوزه های انتخاباتی که در آنها بدلیل قبول صلاحیت برخی چهره های غیر مشهور اصلاح طلب امکان رقابت و فعالیت هست، سیاست کاملی نیست. روش و منش توده ای می گوید که می توان، حتی در حوزه هائی که هیچ نماینده اصلاح طلبی را در میدان باقی نگذاشته اند، با اعلام حمایت از این و یا آن چهره صالح تر از دیگری و یا دیگران وارد میدان شد. این سیاست، بویژه در شهرهای بزرگی مانند تهران و یا شهرهای حساسی مانند "قم" یا "مشهد" و یا حتی "اصفهان" و "تبریز" ... به جبهه مخالفان سیاست نظامی- اتمی این امکان را می دهد که قدرت رای خود را به نمایش بگذارند. حتی اگر این کوچکترین و محدودترین امکان جبهه مخالف سیاست نظامی- اتمی برای نمایش رای و قدرت خفته و بالقوه خود در جامعه باشد، چرا باید آن را از دست داد؟

اگر حمایت اصلاح طلبان و تحول خواهان از فلان شخصیت وابسته به جبهه روبرو، - بر مبنای گفته ها و اظهار نظرهای جدیدش- آراء او را در مقابل چهره دیگری از طیف روبرو که به همان اندازه شهرت دارد و مورد حمایت حکومت است، به چند برابر تبدیل می کند، چرا نباید چنین کرد تا در مقایسه این دو چهره، آراء تحول خواهان، اصلاح طلبان و مخالفان سیاست جنگی به نمایش در آید؟ و تازه آنکه با این رای به مجلس می رود، چه خواهد و چه نخواهد موقعیت خود را وابسته به آن آرائی می داند که با آن به مجلس رفته است.

حتی لحظه ای از خاطر نبریم که با شکست سیاست جنگی، بزرگترین تفرقه را در میان آنها که امروز پشت اسامی و اصطلاحات "ولایت پذیران"، "اسلام پناهان"، "اصولگرایان" و ... جمع شده اند ایجاد خواهد شد. حتی از اختلافات و رقابت های موجود در جبهه روبرو، با انگیزه پایبندی به وسیع ترین جبهه و اتحاد ممکن باید استفاده کرد.

سیاست، یعنی هنر شناخت لحظات و امکانات و بهره گیری از آنها. و مبارزه، یعنی توان بسیج و تمرکز همه قدرت، برای حمله!
هنوز تا انتخابات مجلس هشتم که ۲۴ اسفندماه برگزار می شود، زمان در اختیار است، بویژه در جامعه ای که هر ساعت و روز آن با حادثه و رویداد همراه است. در چنین جامعه ای اتخاذ روش ها و سیاست های دم به دم متناسب تر از گذشته می تواند بر رویدادها تاثیر گذار باشد. دست و پای خود را با یک بیانیه، یک اعلامیه، یک واکنش تند ... نبندیم و حتی اندک ترین فرصت ها برای حضور و تاثیر گذاری را از دست ندهیم.

راه توده ۱۶۸ ۲۵,۰۲,۲۰۰۸